



21 نوامبر 2016

داکتر سیدعبدالله کاظم

«استیضاح» - یک وسیله مهم قانونی برای نظارت بر اجراءات حکومت توسط ولسی جرگه (قسمت دوم)

نگاهی به رویدادهای مهم استیضاح در "دهه دموکراسی"

قانون اساسی و اخذ رأی اعتماد حکومتها از ولسی جرگه:

پس از آنکه پیشنهادهای صدراعظم محمد داؤد خان مورد قبول اعلیحضرت محمدظاهر شاه قرار نگرفت، محمد داؤد خان بتاريخ 19 حوت 1341 (10 مارچ 1963) از مقام صدرات استعفی داد و شاه بجایش داکتر محمد یوسف (وزیر معادن و صنایع) را به تشکیل کابینه برای یک دوره انتقالی توظیف نمود. یکی از مهمترین وظایف صدراعظم جدید در این دوره همانا تدوین مسوده قانون اساسی جدید بود که از طرف یک کمیسیون هفت نفری تهیه و بعد از غور در کمیسیون مشورتی به لویه جرگه جهت تصویب رویت داده شد. لویه جرگه متشکل از 454 نفر بود که مسوده را پس از پاره تعدیلات بتاريخ 29 سنبله تصویب کرد و بعد از توشیح با اعلام انفاذ آن به تاریخ 9 میزان 1343 (اول اکتوبر 1964) قانون اساسی سال 1309 ملغی گردید.

یکی از مشخصات قانون اساسی جدید همانا تفکیک قوای ثلاثه دولت بود که بر اساس آن انتخابات ولسی جرگه و نیز یک قسمت از اعضای انتخابی مشرانو جرگه بطور "آزاد، سری و مستقیم" در ماه سنبله 1344 صورت گرفت و در ولسی جرگه به تعداد 216 نماینده و در مشرانو جرگه به تعداد 52 نماینده انتخابی برطبق قانون جدید انتخابات راه یافتند. شورای ملی جدید (دوره دوازدهم) بروز پنجشنبه 23 میزان 1344 از طرف اعلیحضرت محمدظاهر شاه افتتاح شد و برطبق ماده 125 قانون اساسی جدید دوره حکومت انتقالی داکتر محمد یوسف به پایان رسید. پادشاه افغانستان در یک قسمت بیانیه مختصر افتتاحیه خود چنین گفت: «مهمترین وظیفه شورا و حکومت جدید تطبیق احکام قانون اساسی دولت و تأمین مقاصد آن میباشد... در شورای جدید صلاحیت وضع قوانین و مراقبت اعمال حکومت از مهمترین وظایفی میباشد که احکام قانون اساسی به شورا تفویض نموده است».

شاه بعد از افتتاح پارلمان مجدداً داکتر محمد یوسف را به حیث صدراعظم به تشکیل کابینه توظیف نمود تا برطبق احکام قانون اساسی جدید با توضیح خط مشی و معرفی اعضای کابینه خود از ولسی جرگه رأی اعتماد بگیرد. حضور صدراعظم مؤظف در ولسی جرگه با مشکلاتی مواجه شد و نیز رویداد مشهور به "سه عقرب" حالتی را بار آورد که باوجود اخذ رأی اعتماد از ولسی جرگه، داکتر محمد یوسف به دلایلی از قبول مقام صدارت انصراف کرد و شاه متعاقباً محمدهاشم میوندوال (وزیر مطبوعات کابینه قبلی) را به تشکیل کابینه مؤظف ساخت. میوندوال به روز سه شنبه 11 عقرب

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼو والي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

1344 (2 نوامبر 1965) جهت اخذ رأی اعتماد و توضیح خط مشی حکومت خود به ولسی جرگه حضور یافت که از جمله 16 عضو کابینه تنها 11 وزیر را با خود به ولسی جرگه معرفی نمود و جای 5 وزیر دیگر تاهنوز خالی بود.

دوره صدارت محمد هاشم میوندال بعد از نشیب و فرازهای زیاد با تقدیم استعفی به دلیل مریضی بتاريخ 20 میزان 1346 (11 اکتوبر 1967) به پایان رسید و بعد از چند روزی نوراحمد اعتمادی را شاه به این مقام منسوب کرد و موصوف بتاريخ 20 عقرب 1346 (19 نوامبر 1967) با اعضای کابینه خود جهت اخذ رأی اعتماد به ولسی جرگه حضور بهمرسانید و بعد از بیانات مطول اعضای ولسی جرگه طی چند روز موفق به اخذ رأی اعتماد گردید. دوران صدارت او نیز با جدالهای فراوان بخصوص با ولسی جرگه توأم بود و دوبار از ولسی جرگه رأی اعتماد گرفت، تا آنکه بتاريخ 27 ثور 1350 (16 می 1971) زیر فشار ولسی جرگه از صدارت استعفی داد. دو هفته بعد شاه از داکتر عبدالظاهر خواست تا به تشکیل کابینه بپردازد و موصوف بتاريخ 14 سرطان 1350 با معیت اعضای کابینه خود به تالار ولسی جرگه جهت اخذ رأی اعتماد حضور یافت که بعد از سخنرانی های تعداد کثیر وکلاء بالاخره موفق به اخذ رأی اعتماد شد. اما دوره صدارت او نیز مواجه با مشکلات زیاد گردید، بخصوص خشکسالی مدهش در ساحات مرکزی و غربی کشور حکومت داکتر ظاهر را با مشکلات و انتقادات زیاد روبرو ساخت و موصوف در پرتو همین حوادث ناگزیر به استعفی شد و شاه بجایش محمد موسی شفیق را به تشکیل کابینه توظیف کرد. موصوف بتاريخ 20 قوس 1351 از ولسی جرگه رأی اعتماد گرفت و اما دوره کار او به حیث آخرین صدراعظم "دهه دموکراسی" با وقوع کودتای 26 سرطان 1352 بسیار کوتاه بود.

تشکیل ریاست "روابط پارلمانی" در چوکات حکومت:

برطبق قانون اساسی جدید که ایجاب روابط نزدیک بین پارلمان و حکومت را میکرد، بار اول صدراعظم میوندال تصمیم به تشکیل یک اداره بنام "روابط پارلمانی" در چوکات وزارت عدلیه گرفت و یکی از استادان پوهنتون کابل - پوهنیار محمد یاسین نسیمی را در این اداره مقرر کرد. قبل از آن داکتر محمد حیدر وزیر عدلیه این وظیفه را با حفظ مقام وزارت بدوش گرفته بود و اما با مشکلاتیکه موصوف مواجه شد، نتوانست از عهده آن بدر آید و موجب برخورد جدی بین او و اکثر اعضای ولسی جرگه شد که اینکار اولین کشیدگی را بین حکومت و ولسی جرگه بار آورد. در زمان صدرات اعتمادی اداره روابط پارلمانی به سطح ریاست ارتقا کرد و در چوکات صدارت گنجانیده شد و یاسین نسیمی همچنان در راس آن قرار داشت و اینکار را تا سقوط سلطنت پیش می برد.

از وظایف عمده این ریاست که حیثیت یک پل ارتباطی بین دو قوه را داشت، در قدم اول تنظیم روابط شعبات مختلف حکومت با پارلمان و برعکس بود و نیز برقراری تماسهای نزدیک با وکلاء در ولسی جرگه و مشرانو جرگه بود تا از آن طریق بین وکلاء و مراجع حکومتی فضای دوستانه و زمینه های افهام و تفهیم مزید در امور مربوطه ایجاد گردد. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که پوهنیار نسیمی که اکنون در کالیفورنیا زندگی میکند، کتاب قطوری نوشت تحت عنوان "روابط پارلمانی با حکومت های افغانستان در دهه دموکراسی" در 677 صفحه که در سال 1384 بوسیله مرکز نشراتی صبا به چاپ رسید. محتوای این کتاب در واقع یک سند تاریخی است که رویدادهای مهم روابط حکومت و پارلمان و نیز متن بیانیه های وکلای ولسی جرگه را در جریان مجالس رأی اعتماد به صدراعظمان

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

دهه دموکراسی و نیز جنجالهای مربوط به استیضاح و سائر امور مهمه را به تفصیل بیان میکند. با استفاده از همین کتاب اکنون به بحث استیضاح در آن دوره پرداخته میشود.

استیضاح از حکومت میوندوال:

طوریکه در بالا ذکر شد، میوندوال برای تنظیم امور پارلمانی نخست داکتر محدحیدر وزیر عدلیه را با اخذ فرمان پادشاهی و حفظ مقامش به حیث وزیر پارلمانی به شورا معرفی کرد، ولی وزیر موصوف با روش آمرانه عمل کرد و روابط او با اعضای ولسی جرگه رو به خرابی گذاشت، تا حدیکه او را از تالار ولسی جرگه اخراج کردند. این وضع از طرف حکومت هتک حرمت به یک وزیر پنداشته شد و موجب گردید تا نامه های شدیدالحن بین حکومت و ولسی جرگه تبادل شود. شورا ادعا داشت که اینکار صدراعظم است تا با ولسی جرگه به تماس شود، نه بوسیله یک وزیر؛ اما حکومت می گفت که صدراعظم این وظیفه را برطبق فرمان پادشاهی به وزیر عدلیه سپرده است. در اثر این جدال روابط میوندوال با ولسی جرگه روبه تیره شدن گذاشت، چنانکه این وضع چند ماه بعد زمینه اولین استیضاح را در تاریخ افغانستان فراهم ساخت و در اثر فیصله ولسی جرگه داکتر عبدالظاهر که ریاست ولسی جرگه را بعهده داشت، بتاريخ 23 حمل 1345 صدراعظم میوندوال را جهت استیضاح در سه مورد ذیل به ولسی جرگه دعوت کرد:

- 1 - پنج نفر وزرای که در وقت رأی اعتماد تعیین نشده بودند و رأی اعتماد به آنها داده نشده، باید برای گرفتن رأی اعتماد به ولسی جرگه حاضر شوند.
- 2 - از مسافرتها صدراعظم و نتایج آن در داخل کشور استیضاح میگردد.
- 3 - در خط مشی حکومت وعده داده شده که در تمام کشور راجع به تعمیم معارف متوازن اقدام میگردد؛ استیضاح میشود که چرا اینکار تاحال عملی نشده است؟

با حضور صدراعظم به تالار ولسی جرگه و قرائت سه فقره فوق یک تعداد وکلا در زمینه ابراز نظر کردند، از جمله (طور نمونه) عبدالکریم فرزانه وکیل زندجان هرات چنین گفت: «در پراگراف دوم ماده 89 قانون اساسی جدید چنین تحریر است که اعضای حکومت و خط مشی حکومت توسط صدراعظم به ولسی جرگه معرفی میشود و ولسی جرگه راجع به رأی اعتماد برحکومت تصمیم میگیرد. ما از این ماده قانون اساسی نتیجه میگیریم که حکومت برای هر وزیر خود از ولسی جرگه رأی اعتماد بگیرد. لذا باید تمام اعضای کابینه تکمیل شده به ولسی جرگه معرفی می شد، حالانکه اینطور نشد و ما درایام تعطیل از رادیو مقرری چند وزیر را شنیدیم. لهذا نتیجه گیری میکنیم که این عمل شما خلاف قانون ماده 89 قانون اساسی صورت گرفته است. باید برای تقرر وزرای جدید رأی اعتماد از ولسی جرگه گرفته شود». (نسیمی، محمد یاسین: "روابط پارلمانی با حکومت های افغانستان در دهه دموکراسی"، صفحه 50)

قابل ذکر است که روز کسب رأی اعتماد از جمله 16 عضو کابینه فقط 11 عضو در معیت صدراعظم مؤظف به ولسی جرگه آمده بودند و باقی 5 وزیر (پلان، مطبوعات، صحیه، معارف و رئیس مستقل قبایل) تا آنوقت تعیین نشده بودند و اما چندی بعد تقرر این پنج وزیر از رادیو اعلان گردید.

میوندوال با قدرت قوی بیان خود به تفصیل نخست بر لزوم روابط مؤدت و پرتفاهم بین حکومت و شورا و نیز تطبیق مندرجات قانون اساسی تأکید کرد و در ضمن به موضوع استیضاح پرداخت گفت: «هنگامیکه حکومت تصمیم گرفت لست اعضای کابینه را تکمیل کند، در فکر آن بودیم که در موضوعی که امروز مورد استیضاح واقع گردیده است، مطابق قانون اساسی تصمیمی اتخاذ کنیم و قبل از آنکه در این باره اقدام کنیم، باهم مشوره کردیم و اشخاصیکه در مسائل حقوقی وارد بودند، در این موضوع غور بعمل آوردند و اکنون هم بنده متیقن هستم که مطابق قانون اساسی رأی اعتماد در هنگام توظیف صدراعظم به شخص صدراعظم و خط مشی حکومت داده میشود، ولی رأی اعتماد را بر فرد فرد وزیر بنده متیقن نیستیم که قانون اساسی چنین امری و یا چنین اراده داشته باشد...».

میوندوال در ادامه بیانات خود افزود: «هرگاه تعبیر و تفسیری که وکلای محترم از ماده قانون اساسی میفرمایند و تعبیرات و توجیحات که در نزد ما به اساس نظریات متخصصین با صلاحیت موجود است، با نظریاتی که وکلای محترم فرمودند، موافقت نمیکند، در اینصورت حکومت انتظار می کشد تا بالاخره یک راه معین در این مورد از طرف یک مرجع با صلاحیت تعیین شود... و یا اینکه بیک مرجع قضائی بگذاریم هر راه حلی که ما بتوانیم در راه یک تعبیر صحیح و قابل قناعت از ماده مورد بحث قانون اساسی پیدا بکنیم، حکومت در آنصورت به احترام تطبیق مواد قانون اساسی مطالب و عده ای که در خط مشی داده حاضر خواهند بود...» (مأخذ فوق صفحه 54 و 55 و شرح مزید در صفحه 189 تا 218)

در اثر رأی گیری صدراعظم میوندوال توانست با اکثریت آرا از این استیضاح موفقانه بدر آید و اما بتاريخ 6 ثور 1345 بار دیگر ولسی جرگه از صدراعظم میوندوال دعوت کرد تا در دومین جلسه استیضاح در ولسی جرگه تشریف آورده و درباره دست آورد سفرهای خود به نقاط مختلف کشور و اینکه قانون اساسی در آنجا ها تطبیق گردیده و نیز رسیدگی به شکایات مردم در محلات مسافرت و استفاده جوئی های مقامات حکومتی به اعضای ولسی جرگه توضیحات ارائه نماید. شرح این استیضاح که تعداد زیاد وکلای ولسی جرگه با طرح سؤالیهای متعدد پرداختند و صدراعظم نیز به سؤالیهای شان در هر مورد جواب گفت، در مأخذ فوق الذکر درج میباشد که تفصیل آن در این مقاله نمی گنجد. (برای شرح مزید دیده شود: مأخذ قبلی از صفحه 219 تا 268)

همچنان موضوع اتهام وارده بر میوندوال راجع به روابط با "سی آی ای" مندرج مقاله منتشره در نشریه "رامپارتس" وسیله تبلیغ مخالفان علیه او گردید، تاحدیکه ولسی جرگه تصمیم گرفت در یک جلسه سری او را مورد استیضاح قرار دهد که موصوف بار دیگر موفق به کسب رأی اعتماد شد و از این اتهام برائت گرفت. اما در این احوال میوندوال از هرسو زیر فشار قرار داشت، تا آنکه وضع صحتی او برهم خورد و در عاقبت به همین دلیل از مقام صدارت استعفی داد.

استیضاح از حکومت نوراحمد اعتمادی:

پادشاه پس از قبول استعفای میوندوال از نوراحمد اعتمادی خواست به حیث صدراعظم به تشکیل کابینه بپردازد و موصوف بتاريخ 20 عقرب 1346 رأی اعتماد را از ولسی جرگه بدست آورد. هنوز 7 ماه از کارش نگذشته بود که ولسی جرگه او را جهت استیضاح دعوت کرد و وکلاء هریک موضوعات مختلف را مطرح کردند، بخصوص در مورد پروژه های انکشافی و تعلل در ارائه پلان پنجساله سوم به ولسی جرگه که از میعاد آن شش ماه گذشته بود و نیز سؤالیهای متعدد در مورد سوء استفاده های

اداری و همچنان معضله پشتونستان و دیگر مسائل. این استیضاح نسبت بسر رسیدن دوره کاری پارلمان به تعویق افتاد و در این میان موضوع انتخابات دوره سیزدهم شورا بتاريخ 4 سنبله 1348 آغاز گردید و در نتیجه به تعداد 213 نفر وکلای جدید به ولسی جرگه در این دوره راه یافتند. پارلمان بروز 22 میزان آن سال از طرف اعلیحضرت محمد ظاهر شاه افتتاح شد و داکتر محمد عمر وردک به اکثریت آراء به حیث رئیس ولسی جرگه و عبدالهادی داوی به حیث رئیس مشرانو جرگه انتخاب شدند.

برطبق قانون اساسی در هر دوره که ولسی جرگه جدیداً انتخاب میشود، حکومت مجبور است از ولسی جرگه جدید مجدداً رأی اعتماد را کسب کند. لذا نوراحمد اعتمادی برای بار دوم به حیث صدراعظم مؤظف جهت رأی اعتماد به ولسی جرگه رفت و خط مشی را با اعضای کابینه خود معرفی کرد. او توانست پس از مباحثات بسیار طولانی وکلای ولسی جرگه رأی اعتماد را بدست آورد.

پس از گذشت یک سال و شش ماه از دوره دوم صدارت اعتمادی ولسی جرگه فیصله کرد به دلیل حادثه برخورد یک وکیل با یک پولیس ترافیک و سائر موضوعات از جمله بیعدالتی اجتماعی، تا از صدراعظم و وزراء استیضاح نماید. مجلس استیضاح بتاريخ 7 ثور 1350 دائر شد و محمد اسحق عثمان وکیل کابل بیانیه استیضاحیه خود را قرائت کرد که در آن خطاب به صدراعظم آمده بود: «من بادرک رشد دموکراسی به حکومت شما رأی اعتماد داده بودم، اما طوریکه دیده میشود نظر به دلایل زیاد حکومت شما شایستگی رأی اعتماد را ندارد. وضع صنایع و اقتصاد به رکود قابل ملاحظه مواجه گردیده است، زندگی عادی مردم افغانستان نسبت صعود نرخها خرابتر شده، بیروکراسی در دواير حکومت خیلی زیاد است، قانون احزاب، قانون شاروالی، قانون ولایتی جرگه ها بوجود نیامده، هتک حرمت وکلای ملت حتی لت و کوب چند نفر نمایندگان در این یک سال و هشت ماه چندین مراتبه تکرار شده، چنانچه چند روز پیش در مقابل یک وکیل با شخصیت وطن شاغلی محمد منیر وکیل ناوه بارکزائی ولایت هیلمند که توسط یک پولیس ترافیک و آمران مورد لت و کوب قرار گرفته که پرده واقعی اعمال ناشایسته و وظیفه داران مامورین حکومت را دریده و حقیقت ظاهر گردید. در مورد وضع نا به سامان معارف و امور اجتماعی، مطبوعات و سیاست خارجی همه تحت تنقید قرار دارد و از جناب صدراعظم در خواست میدارم به سؤالات هریک جواب قناعت بخش همین اکنون ارائه دارند.» (مأخذ فوق ف صفحه 76)

صدراعظم اعتمادی در جواب به ماده 66 قانون اساسی اشاره کرده و تفاوت بین استجواب و استیضاح را وانمود کرد که مسائل متذکره بیشتر به استجواب ربط میگردد و لذا میتوانیم سؤالات را یادداشت نموده و جواب آنها را بعداً ارسال داریم. اما تعداد از وکلا با نظر صدراعظم موافق نبودند و جواب را فوری مطالبه میکردند و این وضع قدم بقدم بین صدراعظم و وکلاء به تشنج کشانیده شد که نه حکومت از موقف خود پائین آمد و نه وکلاء، و با این ترتیب صدراعظم تالار را ترک کرد؛ اما وکلا به مباحثه خود دوام دادند و بالاخره پیشنهادها به امضای 30 نفر وکیل به دارالانشاء رسید به این عبارت که: «شاغلی نوراحمد اعتمادی را بنا بر بی کفایتی و عدم همکاری با ولسی جرگه سلب اعتماد می کنیم». این پیشنهاد به رأی گیری گذاشته شد و با اکثریت 131 رأی، مطرح شدن سلب اعتماد از حکومت تائید گردید و جریان آن به مجلس آینده موکول شد، اما در مجلس بعدی از مطرح شدن سلب اعتماد صرف نظر گردید تا آنکه پس از چند روز صدراعظم از مقام خود استعفی داد.

صدراعظم اعتمادی در قسمت اخیر استعفی نامه خود عنوانی اعلیحضرت پادشاه افغانستان به این مطلب اشاره کرد که: « در مرحله کنونی جریان به نهجی است که پیشرفت وطن ما بیش از هر وقت مستلزم استقرار و ثبات سیاسی میباشد که جز در پرتو حسن تفاهم و همکاری مخصوصاً بین قوه تقنینیه و اجرائیه و بیشتر از همه روحیه هماهنگی به منظور یک هدف عالی که در آن تنها و تنها سلامت کشور و سعادت جامعه منحصر است، سراغ شده نمیتواند. بیش از این در این فرصت دوام کار این حکومت را مؤثر دیده نمیتوانم و بکمال احترام معذرت خود را از دوام به این وظیفه بزرگ به پیشگاه همایونی معروض میدارم». (برای شرح مزید دیده شود: مأخذ فوق.. صفحه 498 تا 512)

استیضاح از حکومت داکتر عبدالظاهر:

پس از قبول استعفی اعتمادی نوبت صدارت به داکتر عبدالظاهر میرسد که بتاريخ 18 جوزای 1350 از طرف پادشاه به تشکیل کابینه مؤظف میگردد. موصوف برای بیان خط مشی و معرفی اعضای کابینه خود بتاريخ 14 سرطان 1350 به ولسی جرگه حضور می یابد و وکلای ولسی جرگه هریک به ایراد بیانیه ها که بسیار مود روز شده بود، پرداخته و در نهایت صدراعظم مؤظف با کسب اکثریت آراء موفق به کسب رأی اعتماد میگردد.

یک ماه بعد از کسب رأی اعتماد بتاريخ 16 جوزای 1351 ولسی جرگه صدراعظم را بغرض استیضاح به تالار دعوت کرد. رئیس مجلس از سید ظاهر شاه وکیل شکر دره خواست تا موضوع استیضاح خود را قرائت کند؛ و کیل مذکور چنین گفت: «با تأسف باید گفت برای بار اول در تاریخ کشور ما مردم از گرسنگی می میرند، ولی گندم امدادی کشورهای اجنبی که برای ملت تخصیص داده شده از طرف بعضی از والی ها و مامورین استفاده جو و ملاکین و صاحب نفوذ ستمگر به بازارهای سیاه حیف و میل میشوند، ولی تصمیم حکومت تا جائیکه معلومات بدسترس است، در مورد توزیع عادلانه غله بکلی ناموفق بوده، مردمی که به نان شام و صبح خود محتاج اند، چگونه میتوانند در هر مراجعه هشت سیر گندم بدست بیاورند. خلاصه طرز توزیع و واریسی آن درست نیست. روش تبعیض حکومت توأم با بی اعتنائی و ضعف اداره بتأسی از این فجایع، من به حیث یکنفر وکیل نه تنها این عمل حکومت را محکوم میکنم، بلکه آنرا بشدت قابل بازخواست جدی و اصولی میدانم». (مأخذ فوق ، صفحه 588)

صبح الدین کشکی مؤلف کتاب "دهه قانون اساسی - غفلت زدگی افغانها و فرصت طلبی روسها" در زمینه می نویسد: «داکتر عبدالظاهر در عهده صدارت کمی بیشتر از یک سال باقی ماند. روابط او با ولسی جرگه بر مسئله اجراءات حکومت، عواقب ناشی از خشکسالی و سیلاب ها، دوام منازعه بر مسئله زبان و اوضاع خراب امنیت او را با عین رکودی با ولسی جرگه مواجه ساخت که اعتمادی با آن مواجه شده بود». او به نقل قول از روزنامه کاروان می افزاید: «روح منازعه در این است که وکلاء میخواهند در برابر هر سؤال جوابی جداگانه و فی الفور تهیه شود؛ حکومت بالمقابل میگوید که چون جلسات استیضاح مهم است و میتواند راه را برای سقوط حکومت هموار کند، برای آن وقت داده شود تا بر سؤالات وکلاء غور و جوابات خود را به روی اسناد و معلومات لازم تهیه کند. یک راه حل منازعه این خواهد بود تا دارالانشای ولسی جرگه سؤالات وکلاء را جمع آوری و طوری تصنیف کند که از تکرار جلوگیری شود و آنرا طبع نموده به اعضای حکومت و دیگر مقامات ذیعلاقه توزیع نماید و حکومت در روشنائی آن، بر جوابات خود غور کرده آنرا در جلسات استیضاح قرائت کند. اگر

وکلاء می‌خواهند آواز آنها شنیده شود، می‌توانند سؤالات خود را از روی متن آماده شده قرائت کنند. این نوع تجویز مشکل را به شکل معقول و عادلانه حل خواهد کرد.» (مأخذ فوق... صفحه 89)

کشکی علاوه می‌کند که: «اعضای ولسی جرگه حکومت داکتر عبدالظاهر را متهم می‌سازند که قصداً سعی می‌ورزد نصاب آن جرگه تکمیل نشود تا بدین ترتیب از استیضاح خودداری کرده باشد و به همین دلیل است که وزراء صرف در روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه یعنی روزهای وکلاء را می‌پذیرند که مصادف با روزهای جلسات عمومی ولسی جرگه می‌باشد. از آنجائیکه نصاب پوره شده نمی‌توانست، 118 وکیل به داکتر عبدالظاهر اطلاع دادند که حکومت او دیگر از اعتماد اکثریت وکلاء برخوردار نیست و باید او از پست خود بحیث صدراعظم استعفی کند.» (مأخذ فوق... صفحه 89)

با این ترتیب داکتر عبدالظاهر مانند سلف خود بتاريخ 2 قوس 1351 از مقام صدارت استعفی داد و شاه با قبولی استعفایش از او خواست تا تعیین صدراعظم جدید بکار خود ادامه دهد. کشکی در این مورد می‌نویسد: «عمدتاً ضعف و ناتوانی صدراعظم اعتمادی و داکتر عبدالظاهر در برخورد و روابط شان با شورا و مسائل ملی بود که موجب شد ولسی جرگه در برابر آنها قد علم کند. درست است که پادشاه به ولسی جرگه موقع نمیداد تا با استفاده از حق خود مبنی بر دادن رأی عدم اعتماد، حکومت را عملاً از پا دراندازد، ولی با اینهمه آن جرگه اوضاع را بحدی می‌کشاند که تهدید آن برای رأی عدم اعتماد در حقیقت پادشاه را مجبور می‌ساخت از حکومت تقاضای استعفاى شانرا بکند.» (مأخذ فوق... صفحه 89)

همان بود که پادشاه افغانستان پس از دو هفته محمد موسی شفیق را به تشکیل کابینه مؤظف ساخت که او توانست به سهولت رأی اعتماد از ولسی جرگه بدست آورد و موفق شد با وکلاء از راه دوستی پیش آید و منازعه بین قوه مقننه و اجرائیه را بطور احسن پایان دهد. عمر حکومت شفیق کوتاه بود و با کودتای 26 سرطان 1352 و سقوط سلطنت او نیز از مقام برکنار شد. این بود مختصر جریان رویداد های استیضاح در "دهه دموکراسی که خدمت تقدیم شد. علاقمندان برای کسب معلومات مزید و جزئیات موضوع میتوانند به کتاب پوهنیار محمد یاسین نسیمی مراجعه فرمایند.

(ادامه دارد: رویداد های مهم استیضاح در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی)